

وضعیت حقوقی فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیر آب

محمد رضوی راد^۱، ژانت الیزابت بلک^۲*

چکیده

اگرچه بیشتر اطلاعات به دست آمده از بقایای زیر آب در نتیجه فعالیت‌هایی است که هدف اولیه آنها میراث فرهنگی زیر آب بوده، با وجود این، کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در اساس برای پرداختن به فعالیت‌هایی که به طور تصادفی بر میراث مزبور اثر می‌گذارند، طراحی نشده است. تنها ماده ۵ کنوانسیون به صراحت به این موضوع پرداخته و در چند مقررۀ دیگر به طور تلویحی به این فعالیت‌ها اشاره شده است. در مناطق دریایی تا ۱۲ مایل از خط مبدأ، این دسته از فعالیت‌ها تحت پوشش مقررات حفاظتی کنوانسیون مزبور قرار ندارند و در نتیجه همچنان ذیل مقررات عام کنوانسیون ۱۹۸۲ قرار می‌گیرند. اما در مناطق دریایی فراسوی ۱۲ مایل، در عمل هر گونه فعالیت می‌تواند سازوکارهای گزارش‌دهی، اطلاع‌رسانی و محافظت را فعال کند، بنابراین از این نظر تمایزی میان نوع فعالیت‌های دولت‌ها در این مناطق دریایی وجود ندارد.

کلیدواژگان

فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب، فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیر آب، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو، مناطق دریایی.

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق،

الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: mohammad_razavi_rad@yahoo.com

۲. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیأت علمی مدعو گروه حقوق عمومی و بین‌الملل،

دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: j-blake@sbu.ac.ir

(نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۷

مقدمه

با توجه به فعالیت‌های مختلف بشری در دریا، امکان صدمه دیدن میراث فرهنگی زیرآب دور از ذهن نخواهد بود. فعالیت‌هایی مانند ماهیگیری، تور انداختن، لایروبی کردن، کار گذاشتن خطوط لوله و کابل، گودبرداری، تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، کاوش و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز و حتی فعالیت‌های ساده‌ای مثل لنگر انداختن، می‌تواند تأثیرات منفی در خصوص میراث فرهنگی زیرآب داشته باشد^۱ (Forrest, 2002: 511). به‌طور کلی هرچه از طرف دریا به سمت ساحل حرکت کنیم، تأثیر فعالیت‌های انسانی به‌علت عمق کمتر و گستردگی بیشتر فعالیت‌ها افزون‌تر خواهد بود. البته در سال‌های اخیر با پیشرفت‌های شگرف فناوری، میراث فرهنگی زیرآب در تمامی مناطق دریایی در معرض آسیب‌های غیرعمدی فعالیت‌های انسانی قرار گرفته است. بنابراین دامنه متنوعی از فعالیت‌ها ممکن است بر میراث فرهنگی زیرآب تأثیرگذار باشند. با این حال «صنایع فعال در این زمینه تمایلی ندارند به خطرهایی که فعالیت‌هایشان برای میراث فرهنگی زیرآب ایجاد می‌کنند، اذعان کنند و دولت‌ها نیز ضمن آگاهی از اهمیت این صنایع در اقتصادشان، به‌گونه‌ای مشابه سعی در کم‌اهمیت جلوه دادن آثار مخرب این فعالیت‌ها دارند» (Forrest, 2010: 339).

اهمیت اقتصادی و تجاری فعالیت‌های دولت‌ها در دریا به‌حدی است که هر گونه دخالت بالقوه در آنها موضوعی است که به لحاظ سیاسی بسیار حساسیت‌برانگیز جلوه می‌کند. در این زمینه می‌توان به وضعیت دلتای نیجر اشاره کرد. درآمد حاصل از صادرات نفت خام برای اقتصاد نیجریه حیاتی است، اما تأثیرات بهره‌برداری از نفت، از جمله نشت نفت، تهدیدی مهم برای میراث فرهنگی واقع در آن منطقه که مربوط به تجارت برده است، محسوب می‌شود.^۲ با این همه مذاکره‌کنندگان در کنفرانس یونسکو در خصوص تدوین کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیرآب به این نتیجه رسیدند که هر گونه تلاشی برای ساماندهی فعالیت‌های بی‌شماری که در دریا صورت می‌گیرد، امری دشوار، پیچیده و جاه‌طلبانه است و علاوه‌بر آن، فراتر از مقاصد و اهداف کنوانسیون جدید یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیرآب است (Garabello, 2003: 109).

در جریان این مذاکرات در ابتدا فعالیت‌های عمدی که موجب تخریب یا آسیب به میراث مزبور می‌شوند، مورد توجه قرار گرفتند، اما در ادامه مذاکرات اینکه تا چه اندازه دیگر فعالیت‌های انسانی دارای تأثیر بر میراث مزبور، باید توسط مقررات کنوانسیون پوشش داده

۱. برای مثال کاوش‌های بالارد در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ در منتهی‌الیه غربی تنگه سسیلی، نشان داد که بیشتر بستر دریا توسط تورهای ماهیگیری جارو شده است (Gibbins, 1991: 163-167).

2. Final Report of the Second Meeting of the Scientific and Technical Advisory Body established under the Convention, Doc. UCH/11/2.STAB/220/7, 8 May 2011, p. 4.

شوند، محور بحث و مذاکره نمایندگان دولت‌ها قرار گرفت. در نهایت تنها یک ماده از مجموعه مقررات کنوانسیون به‌طور صریح به این موضوع اختصاص داده شد و در چند ماده دیگر به‌صورت تلویحی به این فعالیت‌ها پرداخته شده است. نوشتار پیش رو در پی پاسخ به این پرسش‌های اساسی است که رویکرد کنوانسیون یادشده در خصوص فعالیت‌هایی که به‌طور تصادفی بر میراث مزبور اثر می‌گذارند، چیست؟ و چگونه از میراث فرهنگی زیر آب در برابر این‌گونه فعالیت‌ها محافظت کرده است؟

تمایز میان «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب» و «فعالیت‌هایی که به‌طور تصادفی بر میراث فرهنگی زیر آب تأثیر می‌گذارند»

در پیش‌نویس اولیه کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو برای محدود کردن دایره اجرای مقررات کنوانسیون یادشده از اصطلاح «فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیر آب» استفاده شده بود (Forrest, 2002: 531). این اصطلاح دامنه وسیعی از اقدامات در دریا را در برمی‌گرفت و محدوده اجرای مقررات کنوانسیون را به‌طور چشمگیری افزایش می‌داد. همین مسئله نماینده کانادا در مذاکرات را واداشت که در این خصوص بیان کند: «محور اصلی کنوانسیون پیشنهادی باید پرداختن به شکارچیان گنج یا مأموریت‌های غواصی باشد که متمرکز بر میراث فرهنگی زیر آب هستند، نه اقداماتی نظیر ماهیگیری تجاری یا کابل‌گذاری که تنها به‌صورت تصادفی بر آنها تأثیر می‌گذارند»^۱ (Forrest, 2010: 339). سپس این دیدگاه به دیدگاه غالب میان نمایندگان دولت‌ها تبدیل شد و بر همین اساس دو نظام حقوقی متمایز در ماده ۱ تعریف شد. بدین‌صورت که بندهای ۶ و ۷ این مقرر میان «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب» و «فعالیت‌هایی که به‌طور تصادفی میراث فرهنگی زیر آب را تحت تأثیر قرار می‌دهند»، تمایز قائل شده‌اند. در بند ۶، فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب، فعالیت‌هایی تعریف شده‌اند «که هدف عمده آنها میراث فرهنگی زیر آب بوده و می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از لحاظ فیزیکی یا به شکلی دیگر به میراث فرهنگی زیر آب آسیب برسانند». در بند ۷ نیز فعالیت‌هایی که به‌طور تصادفی بر میراث فرهنگی زیر آب تأثیر می‌گذارند، به فعالیت‌هایی تعبیر شده که «علی‌رغم اینکه میراث فرهنگی زیر آب هدف یا اهداف اصلی آنان نیست، اما می‌توانند به‌طور فیزیکی یا به‌صورتی دیگر به میراث فرهنگی زیر آب آسیب برسانند»^۲. اگرچه تأثیر مخرب اقداماتی که هدف عمده آنها میراث فرهنگی زیر آب نیست، روشن است، اما باید دانست که «قاعده‌مند ساختن این

1. Comments of Canada working paper distributed at the Second Meeting of Governmental Experts, UNESCO Headquarters, Paris, 19-24 April 1999.

۲. از این پس در این مقاله از این فعالیت‌ها تحت عنوان «فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیر آب» یاد می‌شود.

اقدامات جهت زدودن آثار آنها بر میراث مزبور فراتر از اختیارات یونسکو است که به‌تنهایی اقدام می‌کند. این مسئله موضوعات پیچیده مالی، سیاسی و عملی را برمی‌انگیزد که مربوط به شماری از نهادهای سازمان ملل متحد است. علاوه بر این، هرگز منظور این نبوده که هدف اصلی کنوانسیون یادشده پرداختن به این موضوعات باشد» (O'Keefe, 2002: 66).

اشاره صریح کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو به فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیرآب

با اینکه «فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیرآب» هرگز منظور اصلی کنوانسیون نبود، خوشبختانه تأثیر چنین فعالیت‌هایی که ممکن است به‌طور تصادفی به میراث فرهنگی زیرآب صدمه بزنند یا آنها را تخریب کنند، از نظر دور نماند. بخشی از مقدمه کنوانسیون به این موضوع اشاره کرده است: «با آگاهی از ضرورت عکس‌العملی مناسب در برابر اثرات منفی احتمالی فعالیت‌های قانونی که ممکن است به‌طور تصادفی بر میراث فرهنگی زیرآب تأثیر گذارند». در این بند از مقدمه حتی از کلماتی مانند «تهدید»، «آسیب» یا «تخریب» در خصوص این فعالیت‌ها استفاده نشده است. در حقیقت، تحقق حتمی چنین آسیب‌هایی از سوی این فعالیت‌ها پذیرفته نشد و به‌جای آنها تنها به ذکر «تأثیرات منفی احتمالی» بسنده شده است. از سوی دیگر، این فعالیت‌ها از منظر مقررات کنوانسیون مشروع و قانونی قلمداد شده‌اند. با این حال کنوانسیون علاوه بر اشاره به این فعالیت‌ها در مقدمه، در ماده ۵ نیز ضمن اشاره به این اقدامات، وظایفی را بر عهده دولت‌ها گذارده است: «هر دولت عضو مؤثرترین ابزار خود را به کار خواهد گرفت تا از آثار نامطلوب احتمالی ناشی از فعالیت‌های تحت حوزه صلاحیت خود که به‌طور تصادفی میراث فرهنگی زیرآب را تحت تأثیر قرار می‌دهند، پیشگیری کند یا آنها را کاهش دهد». در این مقرر به‌جای اشاره به منطقه یا مناطق دریایی معین از عبارت «تحت حوزه صلاحیت» دولت‌های عضو استفاده شده است. این نحوه بیان نیز پیشنهاد انگلستان بوده است (Garabello, 2003: 128) و همه مناطق دریایی حتی فعالیت‌های کشتی‌های تحت پرچم دولت‌های عضو و اتباعشان در «منطقه»^۱ را نیز برمی‌گیرد (O'Keefe, 2002: 66). همه کاری که یک دولت عضو طبق ماده ۵ موظف به انجام آن است، این است که «از مؤثرترین ابزار در دسترس خود»^۲ استفاده کند. لحن این مقرر انعکاسی از قسمت پایانی بند ۴ ماده ۲ است که اشعار می‌دارد: «دولت‌های عضو در صورت اقتضا به‌طور مشترک یا مستقل، تمامی اقدامات مناسب را طبق این کنوانسیون و حقوق بین‌الملل که جهت محافظت از میراث فرهنگی زیرآب ضروری است، اتخاذ خواهند کرد و در این راه

1. Area.

2. "The best practicable means at its disposal".

از مؤثرترین ابزارهایی که در اختیار دارند، طبق توانایی‌های خویش استفاده خواهند نمود»^۱. در واقع ماده ۵ سعی کرده است که از یک سو هدف کنوانسیون در زمینه محافظت از میراث فرهنگی زیر آب را برآورده کند و از سوی دیگر آسیب و مزاحمتی برای فعالیت‌های قانونی و مشروع دولت‌ها به وجود نیاورد. برای جمع میان این دو هدف است که این مقرر نه تنها جلوگیری از تأثیرات مخرب این اقدامات را مدنظر قرار نداده، بلکه کاستن از چنین تأثیراتی را نیز کافی دانسته است. همچنین باید توجه داشت که اگرچه اصل «حفاظت در محل»^۲، به عنوان یکی از پایه‌های اصلی کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است^۳، اما در برخی شرایط «حفاظت در محل» ممکن است عملی نباشد. برای مثال در مورد یک پروژه گسترده زیربنایی مانند لایروبی کانال کشتیرانی یا کار گذاشتن خطوط لوله‌های نفت یا گاز، «کاستن از آثار نامطلوب» ممکن است همه کاری باشد که انجام آن ممکن و مقدور است. کاهش آثار نامطلوب هم ممکن است از رهگذر انجام اقدامات باستان‌شناسی پیش از تخریب محوطه باستانی^۴ یا در مواردی نادر، از طریق جابه‌جایی لاشه کشتی غرق شده انجام پذیرد.^۵ البته در مورد فعالیت‌های روزمره دریایی مانند ماهیگیری ممکن است امکان جلوگیری از تأثیرات نامطلوب بدون لطمه به این فعالیت‌ها وجود داشته باشد. در هر صورت در خصوص فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیر آب باید نظارت‌های لازم صورت گیرد تا از رهگذر توجه به ملاحظات باستان‌شناسی تأثیرات منفی این اقدامات به حداقل ممکن برسد. علاوه بر این هر کجا که مداخله عمدی در یک محوطه باستانی ضرورت پیدا کرد، باید مقررات کنوانسیون به‌ویژه قواعد ضمیمه آن با دقت رعایت شوند.^۶

۱. در ماده ۵ و بند ۴ ماده ۲ کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو از عبارت یکسان "The best practicable means" استفاده شده، ولی متأسفانه در ترجمه رسمی کنوانسیون به زبان فارسی، این عبارت در ماده ۵ «مؤثرترین ابزار» و در بند ۴ ماده ۲ «عملی‌ترین ابزار» ترجمه شده است.

2. *in situ* Protection

۳. بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون: «قبل از اجازه یا اقدام به هر فعالیتی که معطوف به میراث فرهنگی زیر آب باشد، حفاظت در محل این میراث به‌عنوان اولویت اول لحاظ خواهد شد». همچنین قاعده یک قواعد پیوست کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در این خصوص مقرر می‌کند: «حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب از رهگذر حفاظت در محل، به‌عنوان اولین گزینه مورد توجه قرار خواهد گرفت...».
۴. یکی از چند کشتی جنگی چوبی سوئدی که در سال ۱۷۱۵ در خلیج گریفیس والد در آلمان غرق شده بود، در سال ۲۰۰۹ حفاری شد تا مسیر خط لوله گاز در حال احداث Nord Stream بین روسیه و آلمان راه‌اندازی شود. Nord Stream press release, 15 July 2009, available at www.nord-stream.com (Last visited: 16 Aug. 2016).
۵. در سال ۲۰۰۸ لاشه زیردریایی آلمانی که متعلق به جنگ جهانی اول بود، برداشته شد و توسط مقامات دریایی بریتانیا به محل جدید منتقل شد، زیرا لاشه مزبور خطری برای کشتیرانی در تنگه دوور (از پرتراپیک‌ترین راه‌های کشتیرانی در جهان) محسوب می‌شد.
۶. جالب است که یکی از اولین مواردی که در آن قواعد ضمیمه کنوانسیون اعمال شد، در نروژ بوده است. این دولت

از سوی دیگر، برخلاف باور برخی نویسندگان مانند بدرمن^۱ که مفاد ماده ۵ را به معنای تجویز تمهیدات نظارتی گسترده برای فعالیتهای دریایی قلمداد کرده است (Bederman, 196: 2002)، این مقرر برای این منظور تدوین نشده است. بنابراین ماده ۵ چارچوب قانونی جدید و اضافی را مقرر نمی‌کند، بلکه دولت‌ها را ملزم می‌کند که از چارچوب‌های قانونی حاکم بر فعالیتهای دریایی استفاده کنند. به عبارت دیگر، «هر دولت عضو، مؤثرترین ابزار خود...» را که در دسترس اوست، در این زمینه به کار گیرد.

رویکرد کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص فعالیتهای مؤثر بر

میراث فرهنگی زیرآب در مناطق مختلف دریایی

اگرچه ماده ۵ تنها مقرر قانونی است که به صراحت در کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو به فعالیتهایی می‌پردازد که به طور تصادفی میراث فرهنگی زیرآب را تحت تأثیر قرار می‌دهند، متأسفانه مفاد این مقرر به تنهایی برای ارزیابی میزان تأثیرات این فعالیتهای بر میراث مزبور کفایت نمی‌کند. بنابراین در قسمت پیش‌رو به تحلیل مقررات اختصاصی هر یک از مناطق دریایی خواهیم پرداخت، تا از رهگذر آن روشن شود که هر یک از این مقررات تا چه حد تأثیر این فعالیتهای بر بقایای زیرآب را مدنظر داشته است.

۱. آب‌های داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری و دریای سرزمینی

بند ۱ ماده ۷ به تعهدات دولت‌ها در خصوص محافظت از میراث فرهنگی زیرآب در مناطق تحت صلاحیت دولت‌های ساحلی پرداخته است، این مقرر اشعار می‌دارد: «دولت‌های عضو در اعمال حاکمیت خود، این حق انحصاری را خواهند داشت تا هر گونه فعالیتهای معطوف به میراث فرهنگی زیرآب را که در آب‌های داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری و آب‌های سرزمینی آنها انجام می‌گیرد، تنظیم و تجویز نمایند». همچنین براساس بند ۲ این مقرر: «دولت‌های عضو بدون لطمه زدن به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و قواعد حقوقی بین‌الملل مربوط به محافظت

در کنفرانس ۲۰۰۱ یونسکو یکی از چهار دولتی بود که به پیش‌نویس کنوانسیون رأی منفی داد و مواضع سخت و تندی علیه مقررات کنوانسیون اتخاذ کرده بود. در سال ۲۰۰۵ شرکت نفتی استات‌اویل در جریان بررسی خطوط لوله نفت در فلات قاره این کشور متوجه لاشه کشتی باری آلمانی با نام *Luise Horn* متعلق به اواخر قرن نوزدهم می‌شود. سپس این شرکت کشف این شیء را به سازمان میراث فرهنگی نروژ گزارش می‌کند. این سازمان در واکنش به این گزارش، صدور هر گونه مجوز مداخله در لاشه کشتی مزبور را مشروط به رعایت قواعد مندرج در ضمیمه کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو دانسته بود (Kvalø and Marstrand 2006, 223-224).

1. Bederman

از میراث فرهنگی زیر آب، مقرر خواهند نمود که «قواعد»، در مورد فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب در آب‌های داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری و آب‌های سرزمینی آنها اعمال شود...». همان‌گونه که مشاهده می‌شود در هر دو بند به‌صراحت از «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب» سخن رفته و اشاره‌ای به سایر فعالیت‌ها نشده است، به‌غیر از مفاد ماده ۵ کنوانسیون یونسکو که در این خصوص قابل اجرا خواهد بود، از آنجا که چنین تمایزی میان فعالیت‌های مرتبط با میراث فرهنگی زیر آب در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها وجود ندارد، دولت‌های ساحلی عضو کنوانسیون مزبور، مطابق مقررات آن، نه تنها همچنان صلاحیت تنظیم و تجویز این فعالیت‌ها را در آب‌های داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری و دریای سرزمینی خود خواهند داشت، بلکه طبق بند ۱ ماده ۳۰۳ موظفانند از اشیای دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی واقع در این مناطق در برابر فعالیت‌هایی که به‌طور تصادفی بر آنها تأثیر می‌گذارند، نیز محافظت و حمایت کنند.^۱

۲. منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره

اگرچه مقررات کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو به‌خصوص مواد ۹ و ۱۰ آن که مربوط به منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است، برای پرداختن به فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب تدوین شده است، اما تأثیراتی نیز بر فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیر آب خواهد داشت. چنین تأثیری در لوای پیچیدگی ساختار این دو مقرر تا اندازه‌ای مکتوم مانده و نیازمند شرح و تحلیل است. بند ۱ ماده ۹ مقرر می‌دارد:

۱. تمامی دولت‌های عضو، مسئول محافظت از میراث فرهنگی زیر آب در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره مطابق این کنوانسیون می‌باشند، بر همین اساس:

الف) هر دولت عضو مقرر خواهد کرد چنانچه تبعه آن یا کشتی که پرچم آن را برافراشته، میراث فرهنگی زیر آب واقع در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره آن را کشف کند یا قصد دارد اقدام به فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب مزبور نماید، تبعه مزبور یا فرمانده کشتی مذکور، آن دولت را از کشف یا اقدام مزبور مطلع نماید.

ب) در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره دولت عضو دیگر:

۱. دولت‌های عضو مقرر خواهند کرد تبعه یا فرمانده کشتی، کشف یا فعالیت مزبور را به آنها و آن دولت عضو دیگر اطلاع دهد.

۲. به صورت جایگزین، یک دولت عضو مقرر خواهد کرد تبعه یا فرمانده کشتی، کشف یا

۱. بند ۱ ماده ۳۰۳ کنوانسیون ۱۹۸۲: «دولت‌های عضو وظیفه دارند اشیای دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی یافت‌شده در دریا را محافظت نموده و برای این منظور با یکدیگر همکاری خواهند کرد».

فعالیت مزبور را به آن اطلاع دهد و از انتقال سریع و مؤثر چنین گزارش‌هایی به تمامی دولت‌های عضو دیگر اطمینان حاصل خواهد کرد.

قسمت اول این مقررہ هر شخص یا کشتی تحت پرچم دولت عضو را که مشغول انجام فعالیت‌های دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره دولت متبوع خود یا دولتی دیگرند، ملزم می‌کند که «کشف» میراث فرهنگی زیرآب را نیز گزارش کنند. همچنان‌که مشهود است، الزام به گزارش کردن فقط محدود به آنهایی نیست که قصد دارند مبادرت به «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیرآب» در این مناطق دریایی کنند. در چارچوب هدف و جهت‌گیری کلی کنوانسیون این امر وسیله ارزشمندی برای دستیابی به هدف بنیادی آن برای محافظت از میراث فرهنگی زیرآب است. اطلاعات جمع‌آوری‌شده از طریق این گزارش‌ها می‌تواند تصویری نسبتاً جامعی از وجود میراث فرهنگی زیرآب در پهنه‌های دریایی به دست دهد و مدیریت بهتر آنها را فراهم سازد. اگرچه نمی‌توان انتظار داشت که صنایع فعال در مناطق دریایی از وجود چنین الزامی برای گزارش کردن کشفیات مربوط به اشیای تاریخی و باستانی چندان استقبال کنند، بدون شک بخش وسیعی از آنچه در زمینه میراث فرهنگی زیرآب می‌دانیم، برگرفته از گزارش‌های همین صنایع بوده است.^۱

براساس تمهیدات پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون، هر گونه گزارشی از کشفیات، فرایندهای مندرج در ماده ۱۰ کنوانسیون در خصوص محافظت از میراث فرهنگی زیرآب در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را فعال می‌کند. بدین ترتیب که دولت ساحلی به‌عنوان «دولت هماهنگ‌کننده»^۲ با دولت‌هایی که براساس یک «پیوند قابل تأیید»^۳ به‌ویژه پیوند فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناختی جهت ارائه مشاوره اظهار علاقه کرده‌اند^۴، در خصوص بهترین نحوه محافظت از میراث مزبور مشورت کرده^۵ و اقدامات حفاظتی مورد توافق دولت‌های مشاوره‌دهنده را انجام خواهد داد.^۶ حال اگر فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیرآب خطر قریب‌الوقوع برای میراث فرهنگی زیرآب محسوب شوند، مفاد بند ۴ ماده ۱۰ در این زمینه مجرا خواهد بود. این مقررہ در رابطه با اقداماتی است که دولت هماهنگ‌کننده می‌تواند در صورت تهدید میراث فرهنگی زیرآب از ناحیه هر گونه خطر قریب‌الوقوع، اقدامات مقتضی را حتی پیش از مشورت با دولت‌های دارای پیوند قابل تأیید انجام دهد و نیز مجوزهای لازم را صادر کند. طبق تعریف، این خطر می‌تواند

۱. در نتیجه اقدامات کاوشی صنعت نفت، لاشه‌های چندین کشتی مهم در بستر آب‌های عمیق خلیج مکزیک مکان‌یابی شده‌اند (Sinking oil threatens historic Gulf shipwrecks: 2010)

2. Coordinating State
3. Verifiable Link

۴. بند ۵ ماده ۹.

۵. شق «الف» بند ۳ ماده ۱۰.

۶. شق «الف» بند ۵ ماده ۱۰.

ناشی از «فعالیت‌های بشری باشد یا به هر دلیل دیگری از جمله غارت آن باشد». عبارت‌های «هر گونه خطر قریب‌الوقوع» و «به هر دلیل دیگر» نشان از آن دارد که این ماده قانونی شامل اقداماتی که به طور تصادفی بر میراث فرهنگی زیرآب تأثیر می‌گذارند، نیز خواهد بود. البته باید گفت که حتماً لازم نیست کشفیات میراث فرهنگی زیرآب طبق مفاد بند ۱ ماده ۹ گزارش شوند، بلکه در هر شرایطی که میراث مزبور در خطر باشد، مفاد این ماده قانونی قابل اعمال و اجراست.

۳. منطقه مجاور

در خصوص منطقه مجاور وضع به گونه‌ای دیگر است، ماده ۸ کنوانسیون در خصوص این منطقه بیان می‌کند: «علاوه بر مواد ۹ و ۱۰ و بدون لطمه به آنها و طبق بند ۲ ماده ۳۰۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، دولت‌های عضو می‌توانند فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیرآب را که در منطقه مجاور آنها وجود دارد، تنظیم و تجویز کنند. در انجام این امر، آنها مقرر خواهند کرد که «قواعد اعمال گردد». در این مقرر نوعی تناقض آشکار در خصوص فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیرآب وجود دارد. از یک سو همچنان که بیان شد، هر گونه کشف میراث فرهنگی زیرآب طبق مواد ۹ و ۱۰ می‌تواند سازوکارهای گزارش‌دهی و محافظت مندرج در این مقررات را فعال کند. بنابراین از این نظر تفاوتی میان نوع فعالیت‌ها وجود نخواهد داشت. بند ۲ ماده ۳۰۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ نیز به همین صورت هیچ‌گونه تمایزی میان نوع فعالیت دولت‌ها در دریا قائل نشده است. اما در ماده ۸ بعد از ذکر «علاوه بر مواد ۹ و ۱۰ و بدون لطمه‌ای به آنها و طبق بند ۲ ماده ۳۰۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها» صرفاً دولت‌ها را مجاز می‌دارد که «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیرآب» را تنظیم و تجویز کنند. به نظر می‌رسد که این مقرر از یک سو تحت تأثیر بندهای ۱ و ۲ ماده ۷ و از سوی دیگر متأثر از مواد ۹ و ۱۰ است. وضعیت وقتی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم در مورد نوع صلاحیت دولت ساحلی طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ در خصوص اشیای باستانی و تاریخی واقع در منطقه مجاور اختلاف نظر وجود دارد. بند ۲ ماده ۳۰۳ کنوانسیون یادشده مقرر می‌کند: «برای کنترل قاچاق این اشیاء، دولت ساحلی می‌تواند در اجرای ماده ۳۳ چنین فرض نماید که برداشتن آنها از بستر دریای منطقه مذکور در آن ماده، بدون تأیید او به نقض قوانین و مقررات مذکور در آن ماده در داخل قلمرو یا دریای سرزمینی او منجر خواهد شد». برخی نویسندگان با استناد به بند ۲ ماده ۳۰۳ از توسعه صلاحیت قانونگذاری دولت ساحلی فراتر از دریای سرزمینی تا سرحد ۲۴ مایلی (منطقه مجاور) سخن گفته‌اند (Strati, 1995: 167-168)، درحالی‌که عده‌ای دیگر تنها معتقد به صلاحیت اجرایی دولت ساحلی در خصوص قوانین گمرکی و مالیاتی قلمرو یا دریای سرزمینی خود^۱ در خصوص میراث فرهنگی زیرآب واقع در بستر منطقه مجاورند (Long, 2007: 533).

۱. از میان قوانین اشاره‌شده در ماده ۳۳ تنها این دسته از قوانین می‌توانند در خصوص میراث فرهنگی زیرآب

در مجموع و با توجه به اینکه طبق ماده ۳ «هیچ‌یک از مفاد این کنوانسیون لطمه‌ای به حقوق، صلاحیت و تکالیف دولت‌ها به‌موجب حقوق بین‌الملل شامل کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها نخواهد زد، این کنوانسیون با سیاق و به‌صورتی که منطبق با حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها باشد، تفسیر و اعمال خواهد شد»، می‌توان گفت که دولت ساحلی می‌تواند فعالیت‌های دولت‌های دیگر در منطقه مجاور خود را که منتج به برداشتن میراث فرهنگی زیرآب از بستر منطقه مذکور گردد، اعم از اینکه معطوف به میراث فرهنگی باشند یا به‌طور تصادفی بر میراث مزبور اثرگذارند، بنا به صراحت بند ۲ ماده ۳۰۳ نقض قوانین گمرکی و مالیاتی خود فرض کند.

آنچه دولت‌های عضو در خصوص فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیر آب ذیل مواد ۹ و ۱۰ انجام می‌دهند، باید در راستای وظیفه عام مندرج در ماده ۵ دانسته شود. برخی دولت‌های ساحلی (پیش از تصویب کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو) پیمانکاران فعال در حوزه صنعت نفت و گاز در مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره خود را ملزم می‌کردند، که اگر در حین کار در دریا با میراث فرهنگی زیرآب برخورد کرده‌اند، آن را گزارش کنند (Blake 2015: 105). اگر این پیمانکاران خارجی باشند، چنین الزاماتی در نظام حقوقی بین‌المللی، ذیل بند ۱ ماده ۳۰۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ توجیه‌پذیر خواهد بود که در این زمینه اشعار می‌دارد: «دولت‌های عضو وظیفه دارند اشیاء دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی پیداشده در دریا را محافظت نمایند و برای این منظور با یکدیگر همکاری خواهند کرد». به‌نظر می‌رسد آنچه کنوانسیون انجام می‌دهد، در واقع، تشویق دولت‌های عضو برای اتخاذ این رویه است. شایان ذکر است که پیش از کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو، «پیش‌نویس کنوانسیون اروپایی حفاظت از میراث فرهنگی زیرآب مورخ ۱۹۸۵» هم حاوی مقرره‌ای با آثاری مشابه است. ماده ۱۷ این پیش‌نویس اشعار داشته: «هر دولت متعاهدی در راستای اعمال صلاحیتش در خصوص کاوش و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره‌اش باید اقدامات مقتضی جهت محافظت از اموال فرهنگی زیرآب، در راستای اهداف این کنوانسیون اتخاذ نماید». این پیش‌نویس اگرچه در نهایت به تصویب نرسید،^۱ اما باید توجه داشت که مورد تأیید دولت‌های فرانسه، آلمان، هلند و انگلستان بوده است.^۲

موضوعیت داشته باشند.

۱. علت عدم تصویب این پیش‌نویس در کمیته وزیران شورای اروپا، مخالفت ترکیه در خصوص قلمرو اعمال مقررات آن بوده است (Blake, 1996: 824).

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص مقررات این پیش‌نویس ر.ک:

3. Strati, 1995: 79-80 & 87-89.

4. Blake, 1996: 824-827.

۴. منطقه

با توجه به اینکه رژیم حقوقی که برای منطقه در کنوانسیون طراحی شده، در واقع انعکاسی است از آنچه برای مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره تدوین شده، جای تعجب نیست که مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون آثاری مشابه بر فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیر آب در منطقه داشته باشند. بر این اساس دولت‌های عضو، اتباع و فرمانده کشتی را که پرچم آن دولت را برافراشته، ملزم می‌کنند هر گونه کشف میراث فرهنگی را به آن دولت اطلاع دهند، چه قصد مبادرت به «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب» را داشته باشند و چه نداشته باشند.^۱ چنین گزارشی فرایندهای مندرج در مواد ۱۱ و ۱۲ در خصوص گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی و محافظت را فعال خواهد کرد. براساس بند ۳ ماده ۱۲ «در صورت نیاز، تمامی دولت‌های عضو تمامی اقدامات عملی را که طبق این کنوانسیون باشند، پیش از مشاوره‌ها اتخاذ خواهند نمود تا از هرگونه خطر قریب‌الوقوع در مورد میراث فرهنگی زیر آب که ناشی از فعالیت‌های بشری یا عوامل دیگر از قبیل غارت باشند، جلوگیری نمایند».

از آنجا که بستر دریا در فراسوی فلات قاره بسیار عمیق است، فعالیتی که به‌طور عمده ممکن است به‌صورت تصادفی میراث فرهنگی زیر آب را متأثر ساخته یا تهدید کند، معدن‌کاوی در بستر عمیق دریاست. «مقام بین‌المللی اعماق دریا» مسئول نظارت بر کاوش و بهره‌برداری از منابع معدنی بستر دریاست. به همین سبب دولت‌های عضو کشفیات و گزارش‌های رسیده به آنها را هم به مدیرکل یونسکو و هم به دبیرکل مقام اطلاع خواهند داد.^۲ همچنین برای مشورت به‌منظور بهترین روش محافظت از میراث فرهنگی زیر آب، علاوه بر دولت‌های دارای پیوند قابل تأیید، از مقام نیز دعوت به‌عمل می‌آید.^۳ مقام در راستای وظایفی که براساس کنوانسیون ۱۹۸۲ بر عهده دارد، مجموعه مقررات معدن‌کاوی را تدوین می‌کند که در خصوص منابع معدنی بستر دریاست. طبق این مقررات پیمانکار باید هر گونه کشف میراث فرهنگی زیر آب را به مقام گزارش کند. دبیرکل مقام نیز گزارش‌های رسیده را به اطلاع مدیرکل یونسکو خواهد رساند. پیمانکار تمامی اقدامات مقتضی برای جلوگیری از صدمه به میراث مزبور را انجام خواهد داد.^۴ اخیراً مقام مجموعه مقررات دیگری در خصوص تجسس و کاوش «سولفیدهای چندفلزی»^۵ و «پوسته‌های فرومنگنز غنی از کبالت»^۶ تدوین کرده که از منظر باستان‌شناسی

۱. بند ۱ ماده ۱۱.

۲. بند ۲ ماده ۱۱.

۳. بند ۲ ماده ۱۲.

4. Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Nodules in the Area, adopted in 2000, Reg. 34.

5. Polymetallic Sulphides

6. Cobalt-Rich Ferromanganese Crusts

مقرراتی به مراتب مؤثرتر دارند. براساس این مقررات تعلیق هر گونه تجسس یا کاوش تا زمانی که شورای مقام بعد از جلب نظرهای یونسکو و سازمان‌های صلاحیت‌دار دیگر، تصمیمی اتخاذ کند، پیش‌بینی شده است.^۱

رژیم حقوقی مربوط به کاوش و بهره‌برداری از منابع معدنی بستر دریا در کنوانسیون ۱۹۸۲ و نظام حقوقی مربوط به محافظت از میراث فرهنگی زیرآب در کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو

روابط رژیم حقوقی مربوط به کاوش و بهره‌برداری از منابع معدنی بستر دریا که در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها پیش‌بینی شده و نظام حقوقی مربوط به محافظت از میراث فرهنگی زیرآب ذیل کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو جالب توجه خواهد بود.^۲ در این زمینه دیدگاه دبیرکل مقام که در سال ۲۰۰۲ و پس از تصویب کنوانسیون یونسکو ابراز شده، شایان توجه است:

«در صورتی که کنوانسیون یونسکو لازم‌الاجرا گردد، به نظر می‌رسد حاوی دو دلالت عمده برای مقام باشد. از یک سو در تصویب درخواست طرح کاری برای کاوش در حوزه‌ای که در آن پیدا شدن میراث فرهنگی زیرآب مطابق با کنوانسیون یونسکو اطلاع داده شده است، کمیسیون حقوقی و فنی و شورای مقام باید وجود چنین یافته یا فعالیتی را مدنظر قرار دهند، گرچه هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که تنها وجود یک قلم از میراث فرهنگی زیرآب در حوزه پیشنهادشده، بتواند از تصویب یک طرح کاری برای کاوش جلوگیری نماید. از سوی دیگر در صورتی که مقام توسط یک پیمانکار از یافتن یک شیء دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی در ناحیه مورد کاوش مطلع شود، یک دولت عضو کنوانسیون یونسکو ممکن است بخواهد به مواد ۱۱ و ۱۲ آن کنوانسیون استناد نماید که طبق آنها چنین شیئی بخشی از میراث فرهنگی زیرآب خواهد بود. در هر حال باید توجه داشت که حقوق و تعهدات پیمانکار ناشی از شرایط قراردادش با مقام است.»^۳

اگرچه دبیرکل مقام ابراز داشته که حقوق و تعهدات پیمانکار ناشی از قراردادش با مقام است،

1. Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Sulphides in the Area, adopted in 2010, Reg. 37 and Regulations on Prospecting and Exploration for Cobalt-Rich Ferromanganese Crusts in the Area, adopted in 2012, Reg. 37.

۲. روابط میان این دو نظام حقوقی کمتر بررسی شده است. از معدود پژوهش‌هایی که به این امر نیز پرداخته، منبع زیر است:
Le Gurun, 2006: 85-89.

این موضوع در چارچوب قراردادهای منعقد شده میان مقام بین‌المللی بستر دریا و مؤسسه فرانسوی کاوش دریایی، برای دولت فرانسه حائز اهمیت است.

3. Report of the Secretary-General of the International Seabed Authority under Art. 166, paragraph 4, of the United Nations Convention on the Law of the Sea, ISBA/8/A/5, June 2002, para. 58.

در واقع این‌طور نیست. به عبارت دیگر حقوق و تعهدات پیمانکار تنها نشأت گرفته از قراردادش نیست. وقتی پیمانکار تبعه یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون یونسکو باشد، باید کشف هر گونه میراث فرهنگی زیرآب را به دو مرجع اطلاع دهد: به دبیرکل مقام طبق مقررات معدن کاوی و دولت متبوع خود طبق بند ۱ ماده ۱۱ کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو. همچنین با اینکه وی ابراز داشته که: «هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که تنها وجود یک قلم از میراث فرهنگی زیرآب در حوزه پیشنهادشده، بتواند از تصویب یک طرح کاری برای کاوش جلوگیری نماید»، اما برخی مقررها در مجموعه مقررات تجسس و کاوش «سولفیدهای چندفلزی» و همچنین «پوسته‌های فرومگنز غنی از کبالت» در خصوص توقف فعالیت‌های کاوشی می‌تواند تا حدود زیادی این عقیده را تعدیل کرده و استناد به مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون را برای دولت عضو تسهیل کند. هنگامی که کشف میراث فرهنگی زیرآب گزارش شود، اگر دولت متبوع پیمانکار یک دولت عضو کنوانسیون یونسکو باشد، در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند با یونسکو، مقام و هر دولتی که پیوند با میراث مزبور را اعلام نماید، همکاری کند تا یک طرح مدیریتی برای محوطه باستانی مربوطه، مطابق با مقررات کنوانسیون معین کند.^۱ این طرح به این منظور تدوین می‌شود که از هر گونه اثر نامطلوب فعالیت‌های کاوشی جلوگیری شود یا حداقل کاهش یابد و هر گونه فعالیتی که با میراث فرهنگی زیرآب مداخله دارد، مطابق با قواعد مندرج در ضمیمه صورت گیرد. حتی اگر دولت متبوع پیمانکار، عضو کنوانسیون یونسکو نباشد، به نظر می‌رسد که احتمالاً نتایج مشابهی براساس اعمال تمهیدات موجود در مقررات مقام به‌دست خواهد آمد. دلیل اهمیت این مسائل آن است که با توجه به حجم گسترده قراردادهای کاوش می‌توان گفت که قسمت اعظم اطلاعات به‌دست آمده از منابع میراث فرهنگی زیرآب، همانند فلات قاره، در نتیجه فعالیت‌هایی بوده که به‌طور تصادفی میراث مزبور را متأثر ساخته است.

نتیجه‌گیری

اگرچه کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو برای پرداختن به فعالیت‌هایی که به‌طور تصادفی بر میراث فرهنگی زیرآب اثر می‌گذارند، طراحی نشده، اما سعی شده است تا تأثیرات منفی این اقدامات تا حدودی مدنظر قرار گیرند. در فراسوی ۱۲ مایل دریایی با توجه به اینکه هر گونه کشف میراث فرهنگی در هر صورت می‌تواند سازوکارهای گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی و سپس محافظت را فعال کند، بنابراین تفاوتی میان این دو دسته فعالیت‌ها در مناطق مجاور، انحصاری اقتصادی، فلات قاره و منطقه وجود نخواهد داشت. اما در مناطق آبی نزدیک به ساحل یعنی آب‌های

۱. اگر پیمانکار کنسرسیومی از دولت‌ها باشد، پتانسیل بسیاری برای بروز دشواری‌ها وجود خواهد داشت، به‌ویژه زمانی که تنها بخشی از دولت‌های تشکیل‌دهنده کنسرسیوم، عضو کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو باشند.

داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری و دریای سرزمینی وضع به گونه دیگری است. در این مناطق با توجه به اشاره صریح ماده ۷ کنوانسیون به «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیرآب»، فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیرآب از ذیل این مقررہ خارج می‌شوند و تحت لوای ماده ۵ قرار می‌گیرند. این مقررہ نیز الزام چندانی برای دولت‌های عضو در این زمینه ایجاد نمی‌کند. با این حال دولت‌های عضو کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو که اکثریت قریب به اتفاق آنها عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز هستند^۱، ملزم به رعایت مفاد بند ۱ ماده ۳۰۳ کنوانسیون اخیر نیز می‌باشند. این مقررہ بدون آنکه تمایزی میان فعالیت‌های دولت‌ها در دریا قائل شود، از آنها می‌خواهد که «اشیای دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» را محافظت کرده و بدین‌منظور با یکدیگر همکاری کنند.

منابع

A) Books

1. Blake, Janet E. (2015). *International Cultural Heritage Law (Cultural Heritage Law and Policy)*, Oxford University Press.
2. Forrest, Craig J. S. (2010). *International Law and the Protection of Cultural Heritage*, Oxon, Routledge.
3. Long, Roman J. (2007). *Marine Resources Law*, Thomson Round Hall.
4. O'Keefe, Patrick J. (2002). *Shipwrecked Heritage: A Commentary on the UNESCO Convention on Underwater Cultural Heritage*, Institute of Art and Law.
5. Strati, Anastasia (1995). *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: An Emerging Objective of the Contemporary Law of the Sea*, The Hague, Kulwer Law International.

B) Articles

6. Bederman, David J. (2002). "Maritime Preservation Law: Old Challenges, New Trends" *Widener Law Symposium Journal*, vol. 8, no. 2, pp. 163-206.
7. Blake, Janet E. (1996). "The Protection of Underwater Cultural Heritage", *International & Comparative Law Quarterly*, vol. 45, no. 4, pp. 819-843.
8. Forrest, Craig J. S. (2002). "A New International Regime for the Protection of Underwater Cultural Heritage", *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 51, no. 3, pp. 511-554.
9. Garabello, Roberta (2003). "The Negotiating History of the Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage", in R. Garabello and T. Scovazzi (eds.), *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: Before and After the*

۱. از میان ۶۰ دولت عضو کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو، تنها سه دولت ایران، کامبوج و لیبی عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ نیستند.

2001 UNESCO Convention, Leiden and Boston: Martinus Nijhoff Publishers, pp. 89–192.

10. Gibbins, David (1991). "Archaeology in Deep Water-a Preliminary View", *The International Journal of Nautical Archaeology*, vol. 20, no. 2, pp. 163-168.
11. Kvalø, Froder and Marstrander, Layder (2006). "Norway", in Sarah. Dromgoole (ed.), *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: National Perspectives in Light of the UNESCO Convention 2001*, Leiden and Boston: Martinus Nijhoff Publishers, pp. 217-228.
12. Le Gurun, Gwenaelle (2006). "France", in Sarah. Dromgoole (ed.), *Legal Protection of the Underwater Cultural Heritage: National and International Perspectives*, Kluwer Law International, pp. 59-95.

C) Documents

13. Comments of Canada working paper distributed at the Second Meeting of Governmental Experts, UNESCO Headquarters, Paris, 19–24 April 1999.
14. Final Report of the Second Meeting of the Scientific and Technical Advisory Body established under the Convention, Doc. UCH/11/2.STAB/220/7, 8 May 2011.
15. Regulations on Prospecting and Exploration for Cobalt-Rich Ferromanganese Crusts in the Area, adopted in 2012.
16. Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Nodules in the Area, adopted in 2000.
17. Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Sulphides in the Area, adopted in 2010.
18. Report of the Secretary-General of the International Seabed Authority under Art. 166, paragraph 4, of the United Nations Convention on the Law of the Sea, ISBA/8/A/5, June 2002.

D) Newspaper Article

19. "Sinking Oil Threatens Historic Gulf Shipwrecks", *Associated Press*, 4 July 2010.

E) Internet

20. <https://www.nord-stream.com/press-info/press-releases> (Last visited: 16 Aug. 2016)